

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی ، گروه علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد (M.A)

در رشته علوم سیاسی

عنوان:

مناسبات سیاسی ایران و عربستان سعودی در پرتو بهبود روابط اخیر

ایران با غرب (۲۰۱۳-۲۰۱۴)

استاد راهنما:

دکتر مرتضی محمودی

استاد مشاور:

دکتر سید علی مرتضویان

پژوهشگر:

محمد رسول محنت فر

زمستان ۱۳۹۳

تقدیم بہ

-روح امام خمینی (ره) بنیانگذار نظام مقدس و الهی جمهوری اسلامی ایران

- ارواح طیہ شہیدان انقلاب اسلامی

- ہمہ رزمندگان و مجاہدان فدائے گار در عرصہ مبارزہ بانظام سلطہ و جہل و انحراف در خرفانیای مقاومت و آرزوی طول عمر با برکت رہبر فرزانه انقلاب

حضرت آیت مدد خانہ ای (مدظلہ)

و نیز قدردانی از ہمسرم و فرزند عزیزم سرروش بخاطر ہمراہی و تحمل و تقبل زحمات.

باشکر از جناب آقای دکتر محمودی که در سمت استاد راهنما، با کمک های خود اینجانب را در جمع آوری این پایان نامه

راهنمایی نمودند

و همچنین جادارو، کمال شکر را از جناب آقای دکتر مرتضویان داشته باشم که در سمت استاد مشاور اینجانب را در این مسیر

یاری رساندند.

بسمه تعالی

تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب محمد رسول محنت فر دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجوی ۸۹۰۹۲۹۳۰۸۰۰ در رشته علوم سیاسی که در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان: مناسبات سیاسی ایران و عربستان سعودی در پرتو بهبود روابط اخیر ایران با غرب (۲۰۱۳-۲۰۱۴) "دفاع نمودم.

بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده‌ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی هم سطح، پایین‌تر یا بالاتر در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدارک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا

بسمه تعالی

در تاریخ :

دانشجو کارشناسی ارشد آقای محمد رسول محنت فر از پایان نامه خود دفاع نموده و با
نمره به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

دانشکده علوم سیاسی

(این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است)

نام واحد دانشگاهی : تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه : ۱۰۱۲۰۸۱۲۹۳۱۰۷۶
عنوان پایان نامه : مناسبات سیاسی ایران و عربستان سعودی در پرتو بهبود روابط اخیر ایران با غرب (۲۰۱۳-۲۰۱۴)		
نام و نام خانوادگی دانشجو : محمد رسول محنت فر	تاریخ شروع پایان نامه : نیمسال دوم ۹۳-۹۲	تاریخ اتمام پایان نامه : نیمسال اول ۹۴-۹۳
شماره دانشجویی : ۸۹۰۹۲۹۳۰۸۰۰	رشته تحصیلی : علوم سیاسی	
استاد راهنما : جناب آقای دکتر مرتضی محمودی		
استاد مشاور: جناب آقای دکتر مرتضویان		
آدرس و شماره تلفن :		
<p>چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده) :</p> <p>انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و انتخاب دکتر حسن روحانی خوش بینی مضاعفی را مبنی بر بهبود روابط ایران با جامعه جهانی و همسایگان بخصوص عربستان سعودی ایجاد نمود. روابطی که در ادوار گذشته بین ایران و عربستان همواره مبتنی بر تنش و سوء تفاهات سیاسی بوده و از تراز و سطح لازم که شایسته روابط دو بازیگر مطرح منطقه ای باشد برخوردار نبوده است اما این وضعیت در دو سال اخیر نه تنها بهبود نیافته بلکه تحت مسائل و شرایط منطقه ای زیر تشدید شده است :</p> <p>مذاکرات هسته ای - ایران با گروه پنج به علاوه یک و نزدیکی ایران به امریکا باعث شد عربستان از افزایش قدرت ایران و تنش زدایی نگران شود و با استفاده از روابطش با کشورهای حاشیه خلیج فارس یک بلوک ضد ایرانی ایجاد کند.</p> <p>سوریه - سوریه هم اکنون خط مقدم جنگ ایران و عربستان است کشوری که جزء حوزه های ژئوپلیتیکی ایران به حساب می آید و بشار اسد علوی مذهب در راس آن است اما عربستانی ها قصد دارند با دخالت خود سنی های مورد نظر خود را در این کشور حاکم کنند .</p> <p>عراق - از نظر عربستانی ها امریکایی ها عراق را دو دستی به ایران هدیه دادند و با به قدرت رساندن شیعه ها در عراق ، عربستان خود را در این بازی یک شکست خورده تلقی می کند . عراق هم اکنون در کنار ایران و سوریه ایستاده است .</p> <p>بحرین - کشوری که اقلیت سنی بر اکثریت شیعه حکمرانی می کند . اکثریت شیعی که خود را منتسب به ایران و رهبری آن می دانند .</p> <p>نفت - کاهش قیمت نفت در اوپک در واقع آخرین حربه و بازی عربستان علیه ایران در فضای کنونی است .</p> <p>تروریستها - حمایت عربستان از گروه های تروریستی در مقابل منافع ایران در مناطق مختلف منطقه ، به خصوص در شرق کشور.</p> <p>لذا با عنایت به نزدیکی روابط ایران با غرب ، پیش بینی آن است که عربستان سعودی نقش محوری خود را در ایجاد فضای بدبینی بیش از پیش بین ایران و امریکا را همچنان در دستور کار داشته باشد . لکن در صورت تفاهم غرب با ایران بر سر مسئله هسته ای و سایر مسائل مترتب بر آن تنش بین ایران و عربستان از حالت دشمنی و تقابلی به فضای رقابتی در منطقه مبدل خواهد شد .</p>		

نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه مناسب است تاریخ و امضا :
 مناسب نیست

مقدمه : ۱

فصل اول

کلیات طرح ۴

بیان مساله تحقیق : ۵

اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن : ۶

سوالات یا فرضیه های : ۷

مدل تحقیق : ۷

روش تحقیق : ۸

جامعه آماری و حجم آن : ۸

بر آورد حجم نمونه و روش نمونه گیری : ۸

روش گرد آوری اطلاعات : ۸

متغیرها و واژه های کلیدی : ۸

مفاهیم : ۸

فصل دوم

بررسی ساختار سرزمینی و ماهیت سیاست داخلی عربستان ۱۱

جغرافیای طبیعی عربستان ۱۲

جغرافیای انسانی ۲۱

جغرافیای سیاسی ۲۸

فرهنگ و بافت اجتماعی ۳۱

رسانه های گروهی ۳۵

سیاست داخلی عربستان ۳۸

تاریخ پیدایش نظام سیاسی کنونی ۳۸

۳۸	۱- مقطع پیدایش
۴۰	۲-مقطع تأسیس دولت
۴۵	ساختار نظام و هرم قدرت سیاسی
۵۲	رژیم سیاسی و طیف بندی ها
۵۲	۱-رژیم سیاسی
۵۴	۲-طیف بندی ها
۵۴	الف- ملک عبدالله
۵۵	ب- آل فیصل
۵۶	ج- سدیری ها
۵۶	روند جایگزینی سیاسی و چالش ها
۶۱	گروه های فشار و نهادهای ذینفوذ مؤثر بر حاکمیت
۶۱	علمای وهابی
۶۵	سلفی ها- القاعده
۶۹	روشنفکران و طبقه متوسط
۷۱	اقلیت شیعه
۷۴	مهمترین چالش های سیاسی داخلی
۷۴	بحران مشروعیت
۷۴	الف- مشروعیت مذهبی
۷۵	ب- مشروعیت سنتی
۷۵	ج- مشروعیت مردمی
۷۶	فقدان دموکراسی و نقض حقوق بشر

فصل سوم

۷۹ بررسی سیاست خارجی عربستان
۸۰ فرآیند تصمیم‌گیری و اهداف کلان در سیاست خارجی عربستان
۸۱ حوزه‌های استراتژیک در سیاست خارجی عربستان
۸۱ ۱-حوزه خلیج فارس
۸۲ ۲-منطقه عربی
۸۳ ۳-جهان اسلام
۸۳ سیاست و رویکردها در سیاست خارجی عربستان
۸۳ ۱-شیوه مدارا و جذب
۸۴ ۲-بهره‌گیری از ابزارهای مکمل
۸۵ دو روابط استراتژیک در سیاست خارجی عربستان سعودی
۸۵ ۱-روابط با آمریکا و انگلیس
۹۱ ۲-روابط با شورای همکاری خلیج فارس
۹۵ مهمترین مشکلات در سیاست خارجی عربستان سعودی
۹۵ اختلافات مرزی با همسایگان
۹۶ الف- اختلاف مرزی با امارات
۱۰۰ ب- اختلاف مرزی با یمن
۱۰۱ حفظ مواضع در مورد بحران فلسطین

فصل چهارم

۱۰۸ مناسبات ایران و عربستان در پرتو بهبود روابط اخیر با غرب
۱۰۹ روابط دو جانبه قبل از انقلاب اسلامی
۱۱۲ روابط دو جانبه پس از انقلاب اسلامی

۱۱۲.....	۱- روابط سیاسی
۱۲۴.....	۲- روابط اقتصادی
۱۲۵.....	اهم محورهای همگرایی و واگرایی ایران و عربستان
۱۳۰.....	اهم تهدیدهای قابل تصور برای ج.ا.ا از سوی عربستان
۱۳۱.....	اهم فرصت های قابل تصور برای ج.ا.ا در روابط با عربستان
۱۳۳.....	روانشناسی مذاکره با سعودی ها
۱۳۷.....	روابط ایران و عربستان؛ آغاز مرحله‌ای نوین
۱۳۹.....	متهم شدن ایران به اقدام برای ترور سفیر عربستان
۱۴۰.....	اعدام ۱۸ ایرانی
	ریاست جمهوری دکتر روحانی و چشم انداز روابط ایران و عربستان در بستر سیاست خارجی جدید
۱۴۱.....	
۱۴۲.....	چالشهای روابط ایران و عربستان در دو سال خیر
۱۴۶.....	شیخ نمر؛ آزمون روابط تیره ایران و عربستان
۱۵۰.....	نگاه اندیشکده آمریکایی به چشم انداز رابطه ایران و عربستان
۱۵۲.....	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۵۹.....	فهرست منابع

مقدمه :

برخلاف رئالیست‌های کلاسیک که به مرکزیت «قدرت» در سیاست بین‌الملل اعتقاد دارند و «ذات شرور بشر» را در شکل دادن «آنارشی» در روابط بین‌الملل موثر می‌دانند، نئورئالیست‌ها یا رئالیست‌های ساختاری، ضمن پذیرش اهمیت قدرت، بر «ساختار» در سیاست بین‌الملل تاکید دارند. آن‌ها بر این باورند که این ساختارها هستند که سایه سنگینی بر سیاست بین‌الملل داشته و عملاً تصمیم‌گیری‌های دیپلمات‌ها در ذیل جبر این ساختارها امکان‌پذیر است. آن‌ها هرگونه تحلیل و تصمیم‌گیری که خارج از چارچوب متغیرهای ساختاری اتخاذ شده باشند را ناقص می‌دانند. بر این اساس اگرچه سطح تحلیل فردی که در بررسی تصمیم‌گیران سیاست خارجی مطرح می‌شود، امری است که در مسیر دیپلماسی، اهمیت دارد اما آن چه اصل و اساس هم‌گرایی‌ها و تعارضات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود، ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. به نظر می‌رسد در فهم آینده روابط ایران و اعراب به خصوص عربستان، سطح تحلیل ساختاری (نئورئالیسم) بیشتر از سطح تحلیل فردی (تصمیم‌گیری) می‌تواند ما را به واقعیت رهنمون سازد. (البته نه به صورت مطلق)

براین اساس، اگر نگاهی به تاریخ روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عربی بیاندازیم خواهیم یافت که متغیرهای منطقه‌ای و ساختاری حتی در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی که شخصیتی هم‌گرا با اعراب دارد نیز مهم‌ترین عامل اثرگذار بر این روابط بوده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، سران عرب بر اساس متغیرهای ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری (ایرانیت و عربیت، تشیع و تسنن، غرب‌ستیزی و غرب‌گرایی و ...) و حتی ژئوآکونومیکی احساس خطر کردند. آن‌ها در طی هشت سال جنگ تحمیلی در کنار صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق ایستادند تا خطرات ناشی از انقلاب اسلامی را بر حوزه امنیت ملی خود بکاهند. کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ از سیاه‌ترین حوادث در روابط ایران و عربستان محسوب می‌شود که موجب شد تا چند سال روابط این دو کشور قطع باشد. اما با پایان جنگ تحمیلی و با روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی، دوران تنش زدایی میان این دو کشور آغاز شد. البته اگرچه برخی سعی کردند این فرایند تنش زدایی را گره زده به دیپلماسی شخصی هاشمی و روحیات و رفتارهای او تلقی کنند اما واقعیت این است که این ساختارها و متغیرهای منطقه‌ای جدید بود که ایران و عربستان را به یکدیگر نزدیک ساخته بود. فروپاشی شوروی، حمله عراق به کویت و موضع اصولی ایران در قبال این رویداد، تبدیل شدن عراق به دشمن مشترک ایران و عربستان و ... از جمله این متغیرها بودند. البته رویه هاشمی نیز در این میان مطمئناً اثرگذار است اما تعیین کننده نهایی نیست.

اما در زمان ریاست جمهوری سید محمد خاتمی که در چارچوب روحیات هاشمی با اعراب گام بر می داشت، امیر عبدالله ولیعهد وقت عربستان به تهران آمد تا در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی شرکت کرده باشد. خاتمی نیز چندی بعد به دیدار ملک فهد پادشاه عربستان رفت. اما در زمان ۸ ساله‌ی خاتمی نیز سایه ساختارها بر روابط دو کشور احساس می شد. حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام، پرونده هسته‌ای ایران، جزایر سه گانه ایرانی که امارات متحده عربی ادعای مالکیت آن‌ها را دارد، ادعاهای واهی مبنی بر حمایت ایران از برخی رفتارهای تروریستی (که در زمان هاشمی نیز مطرح شده بود) از این دست متغیرهای منطقه‌ای بودند. اگرچه نمی توان هم‌گرایی ایران و اعراب را در زمان خاتمی انکار کرد اما این نزدیکی مبنایی نبوده و صرفاً در دیدارها و برخی تعاملات دیده می شود و الا تعارضات منطقه‌ای هم‌چنان پابرجا بود تا جایی که پس از حضور عربستان و سایر کشورهای عربی در تهران و شرکت در اجلاس سران کشورهای اسلامی، آن‌ها چندی بعد طی بیانیه‌ای، دوباره ادعاهای امارات در خصوص مالکیت بر جزایر سه گانه ایرانی را تکرار کردند.

اما سطح هم‌گرایی میان عربستان و ایران، در زمان ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد همان قدر که کاهش یافت، تنش‌ها افزایش پیدا کرد. اگرچه احمدی‌نژاد بار نخستینی که به عربستان رفت، ملک عبدالله او را در میان همه مهمانان مورد عنایت ویژه‌ای قرار داد و دست در دست هم قدم برداشتند، اما سایه ساختارها و متغیرهای منطقه‌ای سنگین‌تر از این بود که این دست در دست هم دادن‌ها کارساز باشد. پرونده‌های هسته‌ای و عراق هم‌چنان ادامه داشت. پرونده لبنان فعال‌تر از قبل شده بود و عملاً لبنان به محلی برای درگیری سیاسی ایران و عربستان تبدیل شده بود و از سویی نیز حمایت ایران از مقاومت در منطقه که در زمان هاشمی و خاتمی هم وجود داشت ولی حالا برجسته‌تر شده بود، عملاً حساسیت عربستان را بیشتر از قبل کرد تا جایی که اتهام ترور سفیر این کشور در آمریکا به ایران زده شد که تنش بسیار قوی در روابط دو کشور محسوب می شد.

اما اوج این تنش‌ها با بروز تحولات جدید در منطقه رخ داد. دخالت نظامی عربستان در بحرین و کشتار شیعیان، دخالت سیاسی در یمن و انحراف انقلاب آن، حمایت از حسنی مبارک حتی تا روزهای آخر مسئولیت او و کارشکنی در ارتباطات ایران با مصر انقلابی و از همه مهم تر بحران سوریه که اوج درگیری‌های سیاسی و حتی تمدنی دو کشور طی سال‌های اخیر است، همه متغیرهای منطقه‌ای مهمی هستند که در نوع روابط ایران و عربستان اثرگذار هستند. این تنش‌ها چه از منظر کمی و چه از منظر کیفی میان این دو کشور، شاید از زمان جنگ تحمیلی تا کنون هیچ‌گاه به این شکل وجود نداشته است. شواهد حاکی از این است که این تنش‌ها به زودی قابل حل نیستند. بحران بحرین هم‌چنان ادامه دارد و حتی در صورت فرض پیروزی انقلابیون بحرین در آینده نزدیک، باز هم این تنش‌ها افزایش می یابد چه

برسد به این که عربستان مداخلات و حساسیت‌های خود نسبت به حکومت آل خلیفه را گسترش هم دهد. در سوریه، حمایت‌های تسلیحاتی، مالی و سیاسی عربستان از تروریست‌ها با احتساب این که قطر تقریباً از معادلات سوریه خارج شده است و عربستان بازیگر منطقه‌ای اصلی در صف مخالفان بشار اسد است، تنش‌ها میان ایران با این کشور را افزایش می‌دهد. در صورت هرگونه تسری بحران سوریه به لبنان و عراق، این ایران و عربستان‌اند که در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرد.

دکتر روحانی بیشتر از این که میراث‌دار تنش‌های ساخته شده احمدی‌نژاد در روابط ایران و عربستان باشد، میراث‌دار بحران‌هایی است که از ساختارهای منطقه‌ای به ایران تحمیل شده است. نمی‌توان گفت که کارگزاران و دیپلمات‌ها بر مسیر رویدادها بی‌اثر هستند اما اصل مسئله این است که این معادلات توازن قوای منطقه‌ای است که باعث می‌شود تعارضات شکل بگیرند چنانچه که روسیه و چین در مقابل آمریکا و غرب از سوریه حمایت می‌کنند و عملاً ایران و عربستان تقریباً در هیچ پرونده منطقه‌ای مهمی اشتراک نظر نداشته‌اند. تجربه دوران خاتمی و هاشمی نشان داده است که هرچقدر هم که دیپلماسی شخصیتی رئیس جمهور موثر باشد، نمی‌تواند متغیرهای منطقه‌ای که حالا و با وجود بحران در سوریه (به عنوان تنها متحد استراتژیک ایران در کل جهان)، برای ایران بسیار مهم‌تر هم شده است را تغییر بدهد.

اگرچه ضروری است تا دولت روحانی با استفاده حداکثری از ویژگی‌های شخصیتی خود در مسیر دیپلماسی این تنش‌ها را کاهش دهد و حداقل، از تنش‌زایی بی‌مورد دوری کند اما این را نباید فراموش کرد که اختلافات ایران و عربستان با گفتگو و رفت و آمدهای دیپلماتیک و نشست و برخاست‌های سیاسی و اقتصادی حل نمی‌شود. دولت جدید در عرصه دیپلماسی باید تلاش کند تا عربستان را در معادلات منطقه‌ای از حالت دشمن استراتژیک ایران به رقیب استراتژیک برای خود تبدیل سازد. این مسئله اصلی‌ترین رسالت دولت جدید در حوزه تعاملات با اعراب در شرایط بحرانی کنونی است، مسئله‌ای سخت و بسیار پیچیده که نباید با خوش‌بینی و ساده‌بینی به آن نگریست و احساس کرد که با چند دیدار و چند تماس تلفنی و پیام تبریک و حتی قرارداد، همه چیز حل می‌شود. مشکلات ایران و عربستان اساساً و در عمق آن، چندان ربط وثیقی به ویژگی‌های رئیس جمهور ایران ندارد هرچند این ویژگی‌ها می‌تواند ظاهر مشکلات را به گونه‌ای تغییر دهد. اگر دولت جدید ضمن ایستادگی بر مواضع و اصول مستحکم انقلاب اسلامی توانست به امتیازدهی و امتیازگیری با اعراب و به خصوص عربستان دست بزند، کار بزرگی انجام داده است. واقعیت این است که ایران و عربستان نماینده دوگونه فکری‌اند، دو گونه تمدنی که شاید بتوانند کمتر با یکدیگر دچار تنش شوند اما صفر شدن این تنش‌ها، مشروط به تغییرات گسترده در مبانی فکری و هویتی آنان دارد، امری که در شرایط کنونی محال به نظر می‌رسد.

فصل اول

کلیات طرح

بیان مساله تحقیق :

عربستان به دلیل ساختار خاص اجتماعی و فرهنگی خود، از دیگر کشورهای خاورمیانه و حتی کشورهای همسایه آن در حوزه جنوبی خلیج فارس متمایز می‌باشد. ساختارهای خاص قبیله‌ای و عشیره‌ای که به پدید آمدن فرهنگی خاص منتهی شده است، همراه با آموزه‌های عمیقاً سنتی و مذهبی و نیز سیطره افکار و ایده‌های سلفی در قالب «وهابیت»، به جامعه عربستان ترکیب منحصر به فردی بخشیده است. حکمرانان آل سعود نظر به ذخایر عظیم نفتی، همواره از ثروت سرشاری برخوردار بوده‌اند. عربستان حدود یک چهارم ذخایر اثبات شده نفت جهان (در حدود ۲۶۲ میلیارد بشکه) را در اختیار دارد و از این منظر، شرایط سیاسی و ثبات یا بی ثباتی در این کشور نفت‌خیز از اهمیت زیادی برای قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا برخوردار می‌باشد. پادشاهی سعودی در بعد منطقه‌ای و فراتر از آن در حوزه جهان اسلام نقشی مهم برای خود قائل است و با حمایت‌های مالی گسترده از کشورهای اسلامی و جنبش‌های اسلامی (البته به طور گزینشی)، در پی بسط حوزه نفوذ خود بوده است. ایران و عربستان همواره به عنوان دو کشور و دو قدرت تأثیرگذار جهان اسلام، در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مطرح بوده‌اند و هر کدام بنا به دلایل مشابه و متفاوت، نقشی برتر برای خود در روند تحولات منطقه‌ای قائل می‌باشند. روابط بین دو کشور از پیروزی انقلاب تاکنون همواره با نوساناتی توأم بوده است. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دو کشور مهم و تعیین کننده در منطقه محسوب می‌شوند. پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها از اهمیت روابط دو کشور نکاست بلکه پدیده نوین انقلاب و رخدادهای متأثر از آن، به همراه تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط دو کشور را با حساسیت خاصی همراه کرد و به آن پیچیدگی فوق‌العاده‌ای بخشید. از همان ابتدای پیروزی انقلاب، سوء ظن اعراب حوزه خلیج فارس نسبت به آنچه که آن را تلاش جمهوری اسلامی برای صدور «انقلاب شیعی و ایدئولوژی ضد غربی» می‌دانستند، در واکنش آنها به جمهوری اسلامی نوپا در ایران هویدا بود. دو سال پس از پیروزی انقلاب، کشورهای مذکور با تشکیل

شورای همکاری خلیج فارس به طور عملی در جهت مقابله و رفع نگرانی از بابت حضور یک ایران جدید در منطقه گام برداشتند. نمونه این تقابل را می‌توان در موضع‌گیری‌ها و کمک‌های مالی برخی از کشورهای عربی خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران به رژیم صدام جست‌وجو نمود. در دهه ۱۹۹۰ و پس از جنگ ایران و عراق، با اقداماتی که در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی و به ویژه پس از حمله عراق به کویت صورت پذیرفت، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی از همکاری و اعتمادسازی شد. عربستان چنین می‌پنداشت که با تغییر در شرایط نظام بین‌المللی (پس از سقوط کمونیسم) و تحولات منطقه‌ای، فضا برای ترسیم روابط تازه مهیا شده است. این روند مناسبات در اواسط دهه ۷۰ شمسی و پس از اعلام سیاست تنش‌زدایی از سوی جمهوری اسلامی، روندی رو به بهبود شد و دو طرف علی‌رغم اختلافات موجود سعی در برطرف کردن ابهامات موجود و نزدیکی روابط داشتند، اما در کل هیچ‌گاه سوء ظن و بدگمانی اعراب به طور کل و عربستان به طور خاص نسبت به ایران بر طرف نشد. در این رساله می‌کوشیم با ارائه تحلیلی از آخرین تحولات منطقه نشان دهیم که در نتیجه این تحولات و بویژه تنش‌زدایی بین ایران و آمریکا و اتحادیه اروپا دگرگونی قابل ملاحظه‌ای در نقش عربستان سعودی در منطقه و روابط سیاسی با ایران روی خواهد داد گرچه در باره نتایج تحولات اخیر نمی‌توان با قطعیت سخن گفت اما قرائن موجود حاکی از آن است که نقش عربستان سعودی در قبال ایران از حالت تقابلی به طرف گفتگو و همکاری دگرگون خواهد شد.

اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن :

نگاهی به ویژگی‌های ایران و عربستان سعودی که در قالب مسائلی مانند نقش ایران و عربستان سعودی در جهان اسلام، موضوع حج، بازار نفت، حضور فعال هر دو کشور در مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و اسلامی، موقعیت ویژه جغرافیایی در منطقه خلیج فارس و برخورداری از اقلیت شیعه و سنی، تیلور می‌یابد، حکایت از اهمیت ایران و عربستان سعودی برای یکدیگر دارد. گرچه این ویژگی‌ها در وهله اول به مثابه نقاط اشتراک دو کشور تجلی می‌یابد و بعضاً به عنوان عوامل پیوند دهنده روابط فرض می‌شود، اما واقعیت آن است که تلقی و اهداف متفاوت تهران و ریاض از عناصر فوق و چگونگی استفاده از هر یک از ویژگی‌های مذکور جهت تأمین منافع کشوری، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهان اسلامی خود، بخش عمده‌ای از این نقاط اشتراک را می‌تواند به نقاط افتراق تبدیل کند. در کنار عناصر فوق، اختلاف نظر میان ایران و عربستان که متأثر از عواملی مانند نوع و ساختار حکومت، مفهوم امنیت و اجرای الگوی مشخص

امنیت منطقه‌ای، روابط با آمریکا، تفکر وهابیت و تکفیر شیعه، حمایت عربستان از صدام در طول جنگ تحمیلی و کشتار مکه، تلقی عربستان از نقش ایران در دو دهه گذشته در منطقه و انتقاد از حضور القاعده در ایران می‌باشد، و نیز سیاست‌های متفاوت ایران و عربستان در افغانستان، عراق، لبنان و فلسطین، نشان می‌دهد که توسعه و گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی بر بستری از تناقضات و رقابت‌های پیچیده استوار است که حرکت در مسیر آن ظرافت و دقت بسیاری می‌طلبد. با این همه، با توجه به تغییرات یکه اخیرا در رویکرد ایالات متحده و قدرت های بزرگ نسبت به خاورمیانه بوقوع پیوسته است و برای نمونه نشانه های آن را در مذاکرات اخیر ۱+۵ بین ایران و ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا می توان مشاهده نمود. انتظار می رود تحول مهمی در معادلات منطقه روی دهد که یکی از آثار آن تغییر سیاست خارجی عربستان سعودی و به طور کلی نقش آن کشور در منطقه در قبال ج.ا.ا خواهد بود. با توجه به تازگی تحولات در این رابطه تاکنون به شکل گسترده کاری که به مناسبات ایران و عربستان و تحولات آن پردازد نگرفته است.

سوالات یا فرضیه های :

پرسش اصلی

روابط ایران و عربستان در پرتو تغییرات جدید منطقه و بهبود روابط ایران با غرب چگونه خواهد شد؟

سوالات فرعی

یک - در شرایط جدید منطقه نقاط اشتراک ایران و عربستان چیست؟

دو- نقاط افتراق روابط کدامند.؟

سه - راهکارهای لازم برای شکوفایی فرصت ها و رفع چالش های بین ایران و عربستان چیست؟

فرضیه

با توجه به بهبود روابط ایران با غرب ، قدرت سیاسی ایران در منطقه در مقایسه با عربستان سعودی در داز مدت روبه افزایش خواهد بود.

مدل تحقیق :

مدل تحقیق در این رساله تجزیه و تحلیل تغییرات سیاسی اخیر منطقه و تاثیر آن بر مناسبات سیاسی ایران و عربستان است.

روش تحقیق :

توصیفی - تحلیلی

جامعه آماری و حجم آن :

در این تحقیق از آمار بهره برداری نمی شود.

بر آورد حجم نمونه و روش نمونه گیری :

با توجه به این که در این تحقیق جامعه آماری نداریم جمعیت نمونه و روش نمونه گیری نیز نخواهیم داشت

روش گرد آوری اطلاعات :

روش انجام تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات در این پایان نامه بیشتر از روش کتابخانه ای و با استفاده از منابع موجود در کتابخانه ها، سایت های اینترنتی و آرشیو روزنامه ها و مجلات و سخنرانی های دکتر روحانی رییس جمهور منتخب می باشد .

متغیرها و واژه های کلیدی :

متغیر مستقل : تحولات اخیر منطقه و تنش زدایی ایران با غرب

متغیر وابسته: مناسبات ایران و عربستان

مفاهیم :

۱- سیاست خارجی سیاست خارجی (Foreign Policy) عبارتست از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین المللی است. به طور خلاصه می توان گفت که سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین المللی از سوی دولت ها انجام می پذیرد. سیاست خارجی می تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت ها باشد و در تعریفی دیگر می توان این طور تعریف کرد که: جهتی را که یک دولت بر می گزیند و در آن از خود تحرک نشان می دهد و نیز شیوهی نگرش دولت را نسبت به جامعه بین المللی، سیاست خارجی می گویند.

۲- منافع ملی (National Interest) یکی از بنیادی ترین و رایج ترین مفاهیم و واژه های سیاسی کنونی به ویژه در ادبیات مربوط به سیاست خارجی کشورهاست. این مفهوم از ترکیب دو واژه منافع (Interest) و ملی (National) تشکیل شده است که هر کدام از آنها به نوبه خود از گستردگی معنایی زیاد برخوردار هستند. این امر از جهاتی باعث ابهام در مفهوم منافع ملی گردیده است. با این وجود منافع ملی آن دسته از منافع تلقی می شوند که دولتها به عنوان یک مجموعه و به نمایندگی از ملت هایشان در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن می باشند.

اگرچه در عصر کنونی واژه منافع ملی و توجه به آن جزو الفبای سیاست خارجی و نظام دیپلماسی کشورها محسوب می شود اما سابقه کاربرد این مفهوم به عنوان اصول راهنمایی روابط دیپلماتیک کشورها به مراحل اولیه تحول دولت مدرن در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی بازمی گردد. این مفهوم در قرن هجدهم بروز بیشتری یافت و در قرن نوزدهم تحت تاثیر جنگ های ناپلئونی عینیت بیشتری را شاهد بود. در دهه های اولیه قرن بیستم نیز با گسترش ادبیات مرتبط با این امر تلاش زیادی برای تمایز بین منافع عمومی که به سیاست های داخلی دولتها اشاره دارد با منافع ملی که راهنمای آنها در روابط خارجی شان است صورت گرفت.

مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی کشورها در دوران پس از جنگ جهانی دوم و تحت تاثیر آموزه های مکتب واقعگرایی مورد توجه شدید واقع شد. در این دوران هانس جی مورگانتا یکی از بزرگترین نظریه پردازان روابط بین الملل، نظریه واقعگرایی سیاست های بین المللی را بر مبنای مفهوم منافع ملی بنا نهاد. مورگانتا منافع ملی را آن دسته از منافع تلقی می کند که دولتها در یک برهه زمانی خاص و در پرتو شرایط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی سیاست خارجی خود را بر مبنای آن تنظیم می کنند و در روابط خود با سایر کشورها در پی تحقق آن هستند. اگر چه هر ملت متشکل از تک تک شهروندان خود است اما منافع ملی حاصل جمع منافع کلیه شهروندان یک کشور که همچون تخم مرغ های جداگانه در کنار هم در یک سبد گذاشته شده اند نیست. منافع ملی کشورها اگرچه در کل منافع عمومی جامعه و کشور را مد نظر قرار داده اما از سوی دیگر با نوع نظام سیاسی حاکم نیز مرتبط است. در نظام بین الملل کشورهای با نظام های سیاسی مختلف اهداف متفاوتی دارند که تحقق این اهداف نیز نیازمند شیوه های مختلف سیاست خارجی می باشد. البته بسیاری از جمله مورگانتا و طرفداران مکتب